

دموکراسی به کجا می‌رود؟؟؟

(استاد صباح)



غرورم گم شده و مُرد وقتی
گل احساس من پژمرد وقتی
بدست باد و طوفان داد آنوقت
مرا از آن حوالی برد وقتی.

به این غمهای دنیا غصه خوردم
به امروزو به فردا غصه خوردم
شنیدم تا که غمهای شما را
برای همه یکجا غصه خوردم.

قبلاً تنظیم های به اصطلاح اسلامی به وسیله سلاح بریکدیگر حمله میکردند و همیشه در جنگ بودند و به دنبال برتری جونی بریکدیگر، جای شکر است که امروز همین تنظیم ها در حالتی قرار دارند که از طریق رسانه ها باهمدیگر داخل جنگ شده اند زیرا همه میدانند که هر تلویزیون و رادیو مربوط به یک رهبر جهادی بوده و از طرف یک ملک خارجی تمویل میگردد و تا اکنون موفق به یک هم اهنگی فیما بین شان نگردیده اند و در حال جنگ و بد گونی یکدیگر و تبارز نسبت به یکدیگر اند.

به نام دموکراسی هم در تاریخ جنایتها کرده اند. دموکراسی هر اندازه هم که ارزشهایی ستودنی داشته باشد، که دارد باز هم به نام او جنایت کرده اند. باز هم نام نیک آن را تیره کرده اند. دموکراسی های صادراتی مصادیق آشکار و پاباز بدنام کردن دموکراسی و ستم کردن به نام دموکراسی است. دموکراسی خواهان یا آنها که ارزش های دموکراسی را می ستایند، وظیفه دارند که در عین حفظ باور و اعتقادشان به دموکراسی، اینها را که به نام دموکراسی انجام می دهد محکوم کنند و از این جنایتها یا لغزشها تبرا بجویند آن هم به آشکارترین و صریحترین وجهی.

به نام سکولاریسم هم جنایت شده است. تاریخ خونبارترین جنگ تاریخ بشر، مشحون است از باور به سکولاریسم. به نام سکولاریسم هم که خود از دستاوردهای فرخنده ی خرد بشری می تواند به شمار آید، جنایتها شده است و هیچ بعید نیست باز هم این جنایتها رخ بدهد. پس آنها که سری بر آستان سکولاریسم می ساینند، وظیفه دارند جنایتهایی را که به نام سکولاریسم شده محکوم کنند و از آنها تبرا بجویند بی هیچ مجامله و تعارفی.

همین قصه را درباره ی مرد وزن داریم. کم نبوده اند کسانی که به نام زن یا به نام مرد، همین خطاها را کرده اند. مسؤولیت اخلاقی ما اقتضا می کند جایی که چیزی به نام ما می گویند و می کنند، چندان که در وسع ما می گنجد در رفع این تهمت از خویش بکوشیم و نگذاریم به جفا یا خطا، چیزی به نام ما تمام شود. طبعاً جایی که درنگ می کنیم یا لب فرو می بندیم، جهان را این گمان در حق ما تقویت می شود که چه بسا فلان در این خطا و جنایت دستی دارد و این گمان هم گمان بی جایی نیست. در کشور مامتاسفانه بهر نام و عنوانی استفاده غلط صورت میگیرد و بیاید درینجامروری نمایم به استفاده های

ابزاری تلویزیونهای که بنام دموکراسط درکشوراسلامی که صرف درنوشته وها و تبلیغات ودرروی جلد پاسپورت اسلام حک شده است ، مروری کوتاهی نمایم .

حکومت طالبان درکشورکمر رسانه صوتی، تصویری و نوشتاری به جز رادیو و تلویزیون ملی و رادیو شریعت در زمان طالبان که محتوای آن راتنها برنامه های دینی و مذهبی تشکیل می داد، فعالیت داشتند . اما پس از فروپاشی حکومت طالبان و روی کار آمدن دولت جدید رسانه های صوتی و تصویری متعددی درپرتو آزادی بیان ودموکراسی توسط اشخاص و گروه های مختلف پا به عرصه وجود گذاشته و به فعالیت آغاز نمودند. اما از آوان تأسیس این رسانه ها دیده شد که برخلاف قانون اساسی کشوروبا بهانه قراردادان آزادی بیان ودموکراسی به پخش برنامه هایی پرداختند که با فرهنگ، آداب و رسوم اسلامی مردم منافات داشت. این روند زمانی جلوه آشکارتری به خود گرفت که از سوی مسئولین دولتی هیچ گونه عکس العملی برای جلوگیری از آن دیده نشد و امروز ما شاهد آن هستیم که محتوای برنامه های تلویزیون ها و رادیوهای فعال درکشور نه تنها در راستای ترویج و غنای فرهنگی ما نیست که سعی درک رنگ کردن فرهنگ و عنعنات پسندیده مردم دارند. اما آیا این عملکرد تلویزیون های داخلی کشور مورد پسند مردمی که سخت پایند به باورهای فرهنگی و دینی خود هستند واقع شده یا خیر؟ .

پس از روی کار آمدن دولت ، رسانه های تصویری، صوتی و چاپی به سرعت رشد کرد که مردم از این بابت بسیار خشنود بودند اما با گذشت مدت زمان کوتاهی این خوشحالی به یاس، ناامیدی و اعتراض تبدیل شد که دلیل عمده آن پخش برنامه های مبتذل و فاسد از سوی تلویزیون ها و رادیوهای است. مردم انتظار داشتن در سایه دموکراسی و آزادی بیان این رسانه ها به ترویج و گسترش منافع ملی، دین مقدس اسلام، فرهنگ و رسوم کشور پردازند ولی متأسفانه نه تنها این موارد اندکی مد نظر آنها نبود بلکه به ترویج بی بند وباری، فساد اخلاقی و رواج کردن مد ولباس های غربی پرداختند. تلویزیون های خصوصی و ملی آنچنان که باید در رشد علم، فرهنگ و داشته های ملی جوانان عمل نکردند و تنها برنامه هایی را نشر نمودند که بی بند وباری میان جوانان را رایج نمود. اسلام هم با آزادی مخالف نیست ولی نه آزادی بیان ودموکراسی از نوع غربی که درکشوردرحال پیاده شدن است که با خود فرهنگ بیگانه بی بند وباری غرب را به ارمغان آورده است. تلویزیون های ما به جای این که برنامه های علمی، فرهنگی و سرگرمی های جالب و مثبت نشر کنند به پخش رقص و آواز غربی، فیلم ها و سریالهای هندی و سریالهای ترکی می پردازند.

تلویزیونها هرکدام شان به نفعه یک حزب یا کشور تبلیغ میکنند . برخلاف منافع ملی مردم عمل میکنند ملت را به گمراهی میکشانند تفرقه ایجاد میکنند کدام و برخلاف منافع کشور برنامه ها را نشر میکنند کسی نیست که جلوائین بی بند وباری راه بگیرد. قبلاً تنظیم های به اصطلاح اسلامی به وسیله سلاح بریکدیگر حمله میکردند و همیشه در جنگ بودند و به دنبال برتری جونی بریکدیگر، جای شکر است که امروز همین تنظیم ها درحالی قرار دارند که از طریق رسانه ها با همدیگر داخل جنگ شده اند زیرا همه میدانند که هر تلویزیون ورا دیو مربوط به یک رهبر جهادی بوده و از طرف یک ملک خارجی تمویل میگردد و تا اکنون موفق به یک هم اهنگی فیما بین شان نگردیده اند و در حال جنگ وید گونی یکدیگر و تبارز نسبت به یکدیگر اند ، امید ان وجود دارد که از این حالت نیز خسته شده با هم هم اهنگ شده و روزی باشد که منطقاً با هم در یک توافق قرار گرفته نشرات شان و داشته های ان به سود کشور بی انجامد.